

تلاش لابی اسرائیل در واشنگتن و تهران برای برافروختن شعله‌های جنگ

پنجه در جان ایران

هفته گذشته، هنگامی که صدای چند تن از نمایندگان مجلس در زمینه چگونگی رد صلاحیت سفیر پیشنهادی انگلیس در آمد و به این معترض شدند که چرا وزارت خارجه مصالح ملی را در زمینه امور دیپلماتیک به ساز و کار جنجال‌های مطبوعاتی سپرده است، اتهام «لابی انگلیس در مجلس» را دریافت کردند. از میان این نمایندگان که شماری از آنان بعد از توضیحات مقام‌های اطلاعاتی به آنها در این سفیر را مورد تأیید قرار دادند، کسی به این اتهام واقعی نگذاشت. در کشور ما، اتهام لابی

انگلیس و لابی کردن و دلالتی برای آمریکا اتهام رایجی است، هر چند با کمال تعجب، کسی به دنبال لابی کاران اسرائیلی و عملی که کارها را به راهی که به تل آویو ختم می شود هدایت می کنند، نمی گردد. این امر در حالی است که به نظر می رسد علائم زیادی از داخل به خارج کشور ارسال می شود تا رخداد های آتی در چارچوب سیاست های منطقه ای اسرائیل شکل گیرد. واقعیت آن است که تحرکات اسرائیل در ایران چندان مانیتور و ردیابی نمی شود.

مطبوعات هفته گذشته، به ویژه مطبوعات که به مسائل خارجی ایران اهمیت می دهند همراه با شخصیت هایی در عرصه سیاست، به خبر مانور نظامی اسرائیل در ترکیه که جزئی از آن تمرین حمله به نیروگاه اتمی بوشهر بود توجهی نشان ندادند. خبر های رسیده هفته گذشته حاکی از آن بود که ایالات متحده اطلاعات ماهواره های تجسسی خود درباره پایگاه های موشک های دوربرد «شهاب-۱» و «شهاب-۲» ایران را در اختیار اسرائیل قرار داده است و این هم مورد

توجه چندانی واقع نشد. مطبوعات و شخصیت ها در روز های یاد شده یا مشغول ردیابی سستون پنجم و یا مشغول هلهله برای شروع جنگ با ایالات متحده در پی اظهارات بوش بودند- جنگی که اگر در بگیرد برنده اصلی اش فقط اسرائیل است- و از تهدید آمریکا این نتیجه را گرفتند که باید در داخل کسانی را مورد پیگرد قرار دارد: «ما باید تهدید آمریکا را جدی بگیریم و مهمترین مسأله در جدی تلقی کردن تهدید، مراقبت از ستون پنجم بقیه در صفحه ۲

پنجه در جان ایران

بقیه از صفحه اول

دشمن در داخل است، حتی این حرف صاحبزنان غربی را (استثنائاً) درست دانسته اند که «سپاری از صاحبزنان غربی اظهار عقیده کرده اند که آمریکاها به ناواسته اند عناصر

ایران از سوی آنان به مقامات ایرانی تحویل شده بود. اطلاعاتی که آصفی آنها را کهنه و مخدوش خواند،

احمد زیدآبادی: برخی محافل تندرو آمریکایی به همراه صهیونیست های افراطی درحال تحریک تندروهای ایرانی هستند تا در نهایت شرایط لازم را برای حمله نظامی به کشورمان آماده کنند

همین نشانی ها بود. همراه با مقامات اسرائیلی، مطبوعاتی که در جهان غرب لابی مطبوعاتی آنان است ایران را طوطه گرد و مغل صلح ارزیابی می کردند.

روزنامه سه نیویورک پست نوشت: «ایران قصد دارد اجازه ارسال هواپیماهای باری حامل تسلیحات و مهمات از طریق حرم هوایی عراق به سوریه را به دست آورد تا آنگاه از طریق زمین برای نیروهای ضداسرائیلی در لبنان فرستاده شود.» این اتهام عنان را دادشت با کشایش خط هوایی تهران بغداد. حاکم فرقه کلدوری بدید آورد.

فشار به ایالات متحده بر آن که پنجه به تن ایران فرو کند فقط در آمریکا و توسط لابی صهیونیستی نیست. انگشت تشویق آمریکا به اینکه اسرائیل راست می گوید، باید ایران را ادب کرد و از داخل نیز شنیده می شود. بسیاری از این نغمه ها از سر ناگاهی «هل من مبارزاهای مطبوعاتی است. همان روز با حسرف های اسرائیلی ها زیر گوش مقامات ارشد آمریکا یک روزنامه تیتز ۸۱ هزار موشک ایرانی اسرائیل را هدف گرفته اند» و ادزیرگترین اندازه ممکن برپیشانی اوئه نشانده به نقل از یک مقام اسرائیلی ارشد شده بود. اصل خبر اتهامی بود از سوی وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، که مشخص نشد چرا این اتهام او باید تیر شود و ادعای دیگری در مورد ارسال ۵۰ تن اسلحه برای فلسطینی ها دروغ خوانده شود. رجزخوانی های دیگر مانند این جمله مدیرمسئول یکی از مطبوعات که «شو ق کشتن آمریکایی ها و اسرائیلی ها در قلب توده های غمظی از مردم ما موج می زند» یا این جمله یک سرفاله که «مسلمانان ایران و جهان از روروری مستقیم با شیطان بزدل ارباب ظلم پیش از تو کرکشی و سرکوب دست نشانده اند» (مشخص نشده بود چگونه اخیر داخلی هستند یا خارجی) لذت خواهند برد.» البته حتمأ برای آمریکایی ها قابل درک است و آنها را به مصرف داخلی ارزیابی می کنند. ولی تهدیدهایی که اشخاصی جدی تر به زبان می آورند و مثلاً بعضی تهدیدها فقط به تقویت حرف های درگوشی اسرائیلی ها است. مقامات آمریکایی و قوت گرفتن موضع لابی صهیونیستی در ایالات متحده می انجامد.

متأسفانه وزارت امور خارجه از کنار این رویکردها نیز به راحتی می گذرد و آنها را همچون تبلیغات مطبوعاتی غیرقابل اعتنا فرض می کند. در ماجرای تهدید متافع

آمریکایی ها در جنوب خلیج فارس ایران امتیازی داد و اجبار یافت از طریق نماینده خود در اوک به کلی تکذیب کرده بگوید حتی گنجچه به منابع نفتی خلیج فارس متعلق کرد.

برخی آگاهان سیاسی معتقدند اگر آقای خزازی همان طور که پاکت های اسناد مذاکلات ادعایی ایران را در روند صلح آمریکایی در خلوت و اسطه ها می گرد از طریق همین واسطه ها و به جای اشخاص غیر مسؤول این پیام دیپلماتیک را می داد که در صورت تحرک خصوصت بار نظامی آمریکایی ها ما

در چارچوب رمزهایمان از خودمان دفاع نمی کنیم. ما یک دست بلند و پرتوان داریم که در هر جایی می توانیم متافع آمریکا را تهدید کنیم.

روشنای خلیج فارس ۱۰ همه سرمایه های آمریکایی ها در این منطقه ۶۰ تا ۷۰ درصد سوخت نیاز از این منطقه تأمین می شود. «آن آگاه ایران نتوانسته بود آمریکا را آچمز کند. اما این اجازه به دستگاه دیپلماتی کشور داده نمی شود و تلاش می شود به جای آنچه واکنش رسمی و فعالیت دیپلماتیک خوانده می شود، فضای مورد نیاز بیگانه پدید آید. آقای شریعتمداری مدیر مسؤول روزنامه کیهان چنین موقعیتی را به خوبی تصویر کرده است: «گاهی اوقات دشمن دنباله های را در کشور و سرزمین حریف تدارک می بیند و بعد تهدیدهایی را به عنوان پشتیبانی از دنباله های خودش انجام می دهد به این معنی که از یک سو از بیرون تهدید می کند و راه کاری که نشان می دهد رجوع به خواست دنباله های دشمن در درون کشور است.»

مدیر مسؤول کیهان در یکی از دیگر سخنرانی های خود این دنباله ها را بهتر توصیف کرده است و هر چند عطف مورد نظر وی به برخی گروه های سیاسی رقیب است، اما این توصیف برای دنباله های بیگانگان بسیار راست است. وی از این گروه با عنوان «میانجی» یاد می کند و در توصیف آنها می نویسد:

«میانجی به علت سابقه همراهی با نظام، تابلو خودی دارد به خودی بودن تظاهر می کند. اما به دلیل هویت تغییر یافته خویش مطالبات دشمن را دنبال کرده و حوزه مسؤولیت خود را به پایگاهی کرده و حمایت از سیاست های تخریبی و براندازانه قدرت های بیگانه تبدیل می کند.» به عقیده وی «شکار و سرکوب» یکی از روش های شناخته شده و متداول برای مقابله با حکومت های مردمی و مستقل است و «میانجی به عنوان شاخص در گروهی است که خواه ناخواه با اختیار بیگانگان است.»

متأسفانه در کشور ما به دام انداختن این میانجی های شکار شده به ندرت رخ داده است. در ماجرای موسوم به حمله مسلمان به اتوبوس بازرگانان آمریکایی، پس از مدت ها درمی بالاخره آقای محسن رضایی به روش عنصر موساد با ملیت پاکستانی در ماجرای حمله اشاره کرد. اما پس از آن اشاره، پرونده به کلی پیاگانی و دیگر کسی به سراغ آن نرفت. اسرائیلی ها در آن ماجرا به آمریکایی ها

حمله کردند تا روابط تجاری تازه از سر گرفته نشد. ایران و ایالات متحده قطع شود و ممکن است در شرایط

حسین شریعتمداری: شکار میانجی یکی از روش های شناخته شده و متداول برای مقابله با حکومت های مردمی است. میانجی به علت سابقه همراهی با نظام تابلو خودی دارد و به خودی بودن تظاهر می کند

دیگر دنبال این باشند که با هم از داخل ایران، ریشته کشیده به سوی آمریکایی ها پارتیاب کنند تا یک تابک جنگی بین آنها برقرار شود.

اینکه ابتکار داری خنجر تحرکات و موضعگیری های ناآگاهانه دارای رویکرد رقابتی حزبی با تحرک میانجی های موصوف اشتباه بود، باید این نکته را گوشزد کرد که برخی دعوت های ناآگاهانه از ایالات متحده برای جنگ با رفتن به مقبلان تهدیدهای پوش از منظر حذف رقیب سیاسی قابل توجیه است.

به رغم زبانی از اهل سیاست، «تجاوز به ایران، زمینه ناچیز مدافعان داخلی ارتباط با آمریکا را به کلی از بین خواهد برد» و برخی هم معتقدند، «تهدید آمریکایی نسبت به ایران همچون سار سردی بود که بر یک دوره فعالیت دلالاتی و فرارزوی ایران و آمریکا ریخته شد.»

به هر حال هر چه هست، آگاهانه یا ناآگاهانه، همراهی با اسرائیلی ها به علت منفه به درگیری ایران و ایالات متحده هستند. نتیجه ای نامیون به بار خواهد آورد. سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران در زمینه تهدید تلویحی اسرائیل در صورت وجود بمب هسته ای، توسط وی اصلاح شد و همه این را که آقای هاشمی قصد تهدید نداشته است، پذیرفتند.

مدیرمسئولی نوشت: «برخی از مسؤولان محترم در مقابل اظهارات پوش که جمهوری اسلامی ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای تشویق می کند، استدلال و مدرک می آورند. ایران در پی دستگیری می است. تسلیحات نیست و حال آنکه تلاش مابرای تهیه آن که تسلیحات ضروری است. وقتی دشمنان ما برای مقابله با حرکت های حق طلبانه به این گونه تسلیحات مجهزند چرا ما نباید؟»

دور و پیش از این سخنان، یکی از نشریات روزفردا جنگ با اسرائیل را به عنوان «ایران از پتانسیل های برخوردار است که این توانایی ها تنها در صورت تحقق این فرصت تاریخی (عملی) نشان تهدیدات بیوش (بیوش) برای تزلزل آمریکاییه نمایش گذاشته خواهد شد»

احمد زیدآبادی، مفسر سیاسی و روزنامه نگار، در مورد چنین تهدیداتی به گزارشگر نیابن می گوید:

در جنگ خلیج فارس صدام حسین در برابر شایعاتی که درباره حمله احتمالی اسرائیل به عراق شنیده بود، گفت: اگر اسرائیل به ما حمله کند به حمله سلاح های که به مایه خداوند به دست آورده ایم، نمی از اسرائیل را به آتش خواهیم کشید.

